

## تحلیل نقش جادو و جادوگری در نگارگری با تمرکز بر داستان کیخسرو و کی کاووس در

### شاهنامه فردوسی

رومینا محمودی زیرابی<sup>۱</sup>، نادیا معقولی<sup>۲</sup>

۱- کارشناس ارشد پژوهش هنر، موسسه عالی طبری

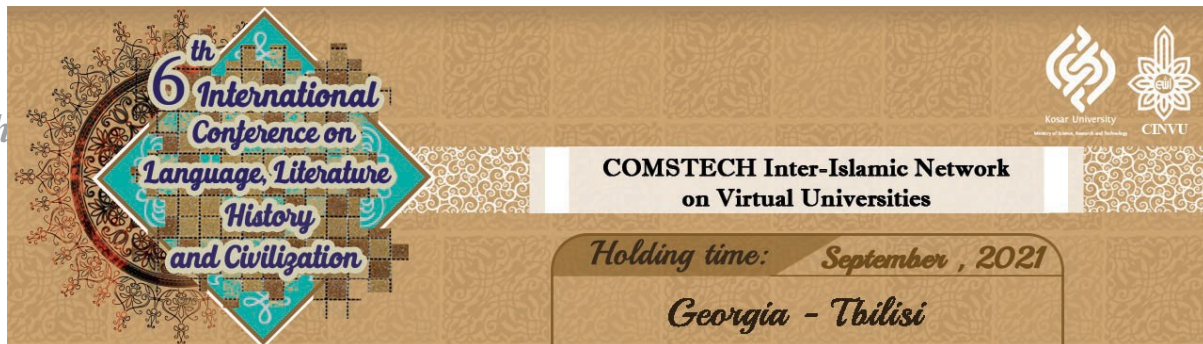
۲- دکترای پژوهش هنر، دانشگاه آزاد اسلامی

#### چکیده

سحر یا جادو از یکی از اعتقادات، آیین‌ها یا اعمالی که گفته می‌شود نیروهای طبیعی یا ماورا الطبیعه را دستکاری می‌کند. به افرادی که به کارهای جادویی می‌پردازند، جادوگر گفته می‌شود. در ایران جادو و جادوگری سابقه طولانی دارد. مردم برای برآورد شدن خواسته‌ها و آرزوهایشان از جادوگران یاری می‌جستند. شاهنامه مهمترین سند با ارزش و با عظمت زبان فارسی است. هدف اصلی پژوهش حاضر تحلیل نقش جادو و جادوگری در نگاره با تمرکز بر داستان کیخسرو و کی کاووس در شاهنامه است. در ادامه، سوال این پژوهش این است، نقش جادو و جادوگری در ادبیات و فرهنگ ایران چیست؟ روش پژوهش از لحاظ هدف بنیادی و از لحاظ ماهیت توصیفی-تحلیلی و گردآوری داده‌ها به لحاظ اسنادی است. می‌توان نتیجه گرفت که جادو از آغاز خلقت بشر به صورت یک اعتقاد تام و همه گیر در میان تمام اقوام و ملل وجود داشته و تا روزگار ما هم اگر چه اثرات آن کم رنگ تر گشته اما هنوز ادامه دارد. واژه جادو در شاهنامه هم به معنای نیرنگ و حيله به کار رفته و هم به عنوان نیروی ماوراء طبیعی و تسخیر کننده طبیعت، اشیاء و انسان‌ها. در این پژوهش نیروهای ماوراء الطبیعه از قبیل دیو، اهریمن و نیروهای جادویی مورد بحث و تحلیل قرار خواهد گرفت.

**واژگان کلیدی:** نگارگری، جادو، جادوگری، ادبیات ایران، شاهنامه نگاری، کیخسرو، کی کاووس

<sup>۱</sup> پژوهش حاضر مستخرج از پایان‌نامه می‌باشد.



## مقدمه

بی تردید جادو، تاریخی به قدمت تاریخ بشر دارد. باستان‌شناسان در این باره معتقدند که منشأ جادو به دوران قبل از تاریخ تعلق دارد. مردم در گذشته‌های دور، جادو را عین حقیقت می‌دانستند و جادوگران را دارندگان حقیقی قدرت‌های مافوق طبیعی که می‌توانند با ماورای انسانی و طبیعی ارتباط داشته باشند. به همین دلیل جادوگران گاه در مقام منجم، طبیب یا غیبگو در جامعه ظاهر می‌شدند و در حل مشکل مردم، یا ایجاد دردسر و بلا برای دیگران نقش ایفا می‌کردند، به گونه‌ای که در برخی جوامع جایگاه و شأن آن‌ها کمتر از مبلغان مذهبی یا حتی ارباب‌ها و پادشاهان نبود.

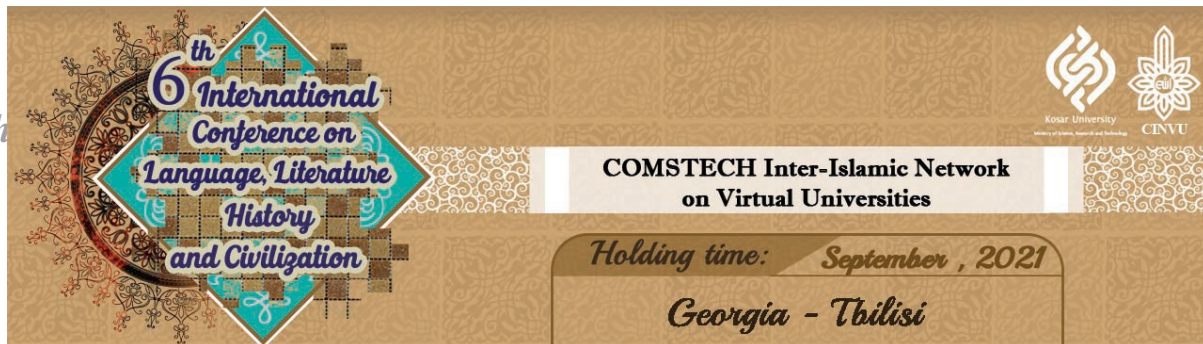
جادو یک پدیده اجتماعی است و در هر جامعه‌ای دیده می‌شود. در ایران از گذشته‌های بسیار دور کاربرد داشته است، به گونه‌ای که نمونه‌های فراوان آن را می‌توان در ادبیات، قصه‌ها، افسانه‌های ایرانی مشاهده کرد. جادو چه در ادبیات حماسی ایران و چه در ادبیات تراژیک و عاشقانه این سرزمین دیده می‌شود.

در این پژوهش، عنصر جادو را در شاهکار حماسی ایران - شاهنامه فردوسی - که از بزرگترین شاهکارهای حماسی دنیاست مورد بحث و مطالعه قرار گرفته است.

شاهنامه از دید ظاهری، بسیار ساده و بی‌پیرایه، روشن و روان و به دور از هر پیچ و تاب است. دشواری شناخت شاهنامه در نهاد و نمان آن است. به آسانی نمی‌توان از رازهای آن آگاه شد. این دیربایی شاهنامه از سرشت و ساختار اسطوره‌ای و حماسی آن برمی‌خیزد» (صمصامی، ۱۳۸۸).

## روش پژوهش

جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش، به لحاظ هدف بنیادی، و داده‌های پژوهش، به روش توصیفی - تحلیلی است و همچنین گردآوری داده‌ها نیز کتابخانه‌ای و اسنادی می‌باشد.



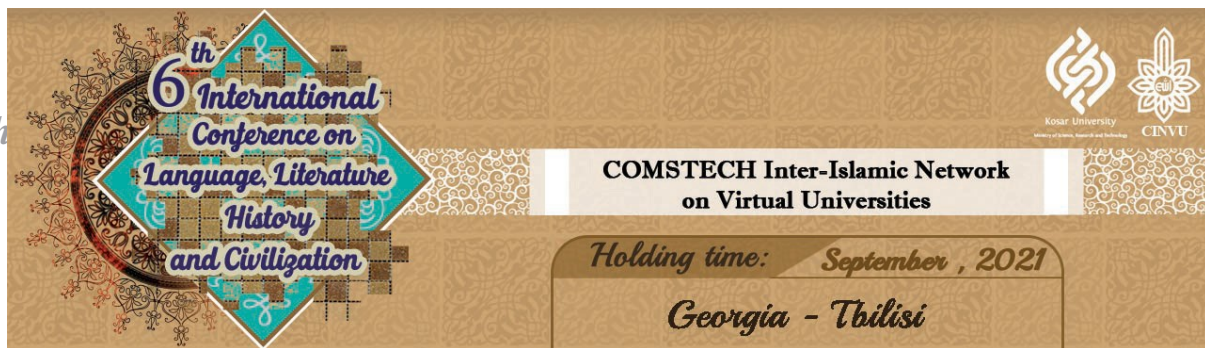
## پیشینه پژوهش

کتاب جادو، علم و دین زیر نظر برانیسلاو مالینوفسکی ترجمه بهنام خلیلیان و مصطفی آقایی، در سال (۱۳۹۵) منتشر شده در مورد تفاوت علم و جادو در دین و چگونگی شکل گیری باور به روح، جاودانگی و جهان دیگر است. همچنین کتاب نامه باستان؛ ویرایش و گزارش شاهنامه فردوسی، در سال (۱۳۸۲) در سه جلد زیر نظر میرجلال‌الدین کزازی انتشار شده است. این کتاب در ارتباط با اشعار فردوسی و بیت به بیت اشعار آن کاویده و گزارش شده است.

مقاله‌ای در رابطه با جادو و جادوگری در شاهنامه فردوسی در سال (۱۳۸۶) توسط محمد مهدی خسرویان نگاشته شده و منتشر شده است. همچنین مقاله‌ای در رابطه با بازتاب اندیشه‌ای اسطوره‌ای جادو در غزلیات مولوی توسط حسین پریزاد و فروغ صهبا در سال (۱۳۹۵) در مورد نمودهای لفظی و معنوی جادو در شعر و غزلیات مولوی پرداخته شده است. مقاله دیگری در رابطه با اندیشه مولانا در مورد سحر و جادو است که تحت عنوان سحر و حلال (بررسی چیستی سحر در

اندیشه مولانا) توسط رضا اقدامی، تورج عقدایی، اکرم رحمانی و هاجر خادم در سال (۱۳۹۵) منتشر شده است. مقاله پژوهشی زینب مظفری خواه و مصطفی گودرزی به بررسی فضا در نگارگری ایرانی با تاکید بر منتخبی از آثار بهزاد در سال (۱۳۹۱) نگارش شده و در مورد بررسی و مطالعه فضا در نگارگری‌های ایرانی پرداخته شده است. مقاله بررسی عناصر نمادین در نگارگری ایرانی زیر نظر اصغر کفشچیان مقدم و مریم یاحقی در سال (۱۳۹۰) منتشر شده و در رابطه با نمادگرایی در نگارگری و انواع عناصر نمادین نگارگری به موضوعاتی پرداخته شده است.

در فصلنامه محمد حسین محمدی که با عنوان جادو در ادبیات فارسی در سال (۱۳۸۳) نوشته شده که در رابطه با جادو و مظاهر آن در ادبیات فارسی جایگاه خاصی دارند، مطرح شده و به آن پرداخته شده است. فصلنامه امیرعباس عزیزی فر در مورد بررسی طلسم و طلسم‌گشایی در قصه‌های عامیانه فارسی (سمک عیار، حسین کرد و امیر ارسلان) در سال (۱۳۹۲) می‌باشد که در این پژوهش، نگارنده به جادو و طلسم‌هایی که در قصه‌های ذکر شده آمده است. پرداخته و مورد مطالعه قرار می‌دهد.



## سوالات پژوهش

طرح پرسش‌هایی که در این پژوهش موجه و منطقی می‌باشد:

- ۱- نقش جادو و جادوگری در ادبیات و فرهنگ ایران چیست؟
- ۲- جادو و جادوگری چه جایگاهی در شاهنامه فردوسی داشته است؟

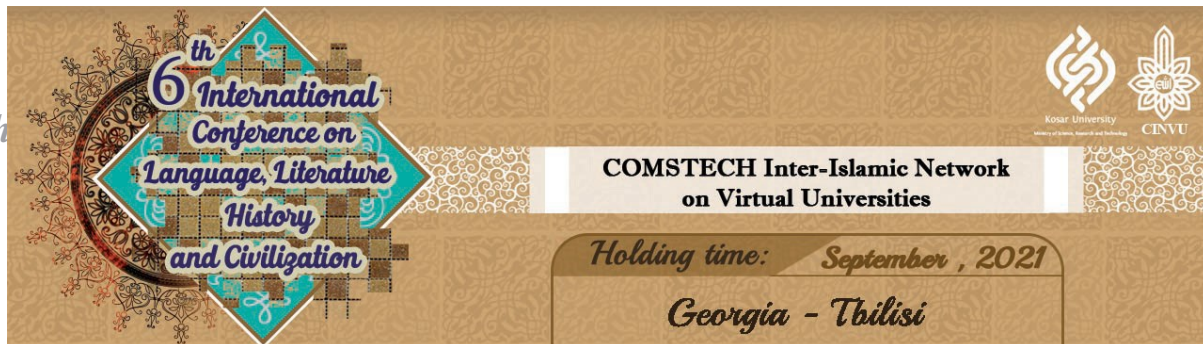
## جادو و جادوگری

دربارهٔ جادو<sup>۲</sup> ریشه‌های آن در زبان فارسی بسیار کامل است. «در اوستا» یاتو» آمده، در هند باستان خیال و سحر را «یاتو» می‌نامیدند. در پهلوی «جادوگ» و یا «جاتوکیه». در ارمنی «دخیل چنوگ». اما در بسیاری از نوشته‌های اوستا، «یاتو» را برابر با «جادو» گرفته‌اند. و جادو در اوستا به گروه شیادان ساحر و گمراه کنندگان و فریبندگان اطلاق شده است. در «یشت‌ها»، جادو را به جای «دروند» پهلوی و در «پازنه» به نام دروغ پرست و پیرو دیو آورده‌اند و می‌بینیم جادوی امروز با معانی سحر و جادوگر به معنای ساحر ریشه‌ای کهن ندارد» (گلکسرخ، ۱۳۷۷). «جادو عبارت است از ایجاد رابطه با خدایان یا ضد خدایان و به دست آوردن لطف آن‌ها برای خود؛ و قهر برای شخص متخاصم» (بهار، ۱۳۸۶). برای تکمیل آن باید گفت: «جادوگر کسی است که می‌خواهد به نمان و نهاد چیزها راه جوید، و نیروهای نهفته در آن‌ها را به سوی خویش آزاد گرداند و کارا سازد» (کزازی، ۱۳۸۵).

## سیمیا

سحر و جادو از مواردی است که همواره ذهن آدمیان را به خود مشغول می‌کند. «سحر که در علوم غریبه در ذیل عنوان سیمیا می‌گنجد، علمی است که به واسطهٔ آن به تصرف در خیال انسان پرداخته و هیجانات متناقض در وی ایجاد می‌کنند. عالمان سیمیا را ساحر و جادوگر می‌نامند. سیمیا علمی است که به کمک آن، با ایجاد صورت‌های خیالی، در خیال انسان تصرف کرده و حالات روحی مختلف از جمله ترس یا لذت ایجاد می‌کنند. علمای علم سیمیا، ساحرانی

<sup>2</sup> Magic



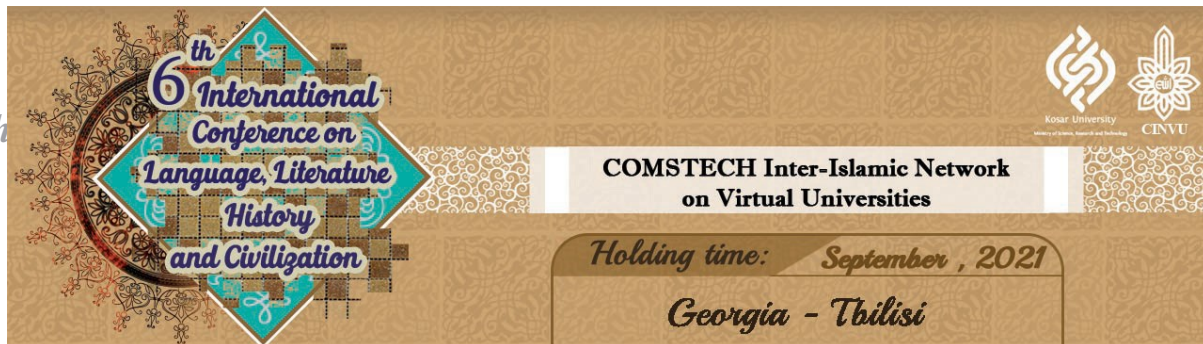
هستند که قدرت انتقال روح به بدن دیگری را داشته و چیزهای موهومی به وجود می آورند که حقیقت خارجی ندارند. علم سیمیا ارتباط مستقیم با سحر و جادو دارد و عالمان این علم در طول تاریخ، ساحران و جادوگران بوده‌اند» (اقدمی و همکاران، ۱۳۹۵:۱).

### نقش جادو در اقوام بدوی

سحر و جادو در تاریخ بشر قدمتی دیرینه دارد. «مردان دانای قدیم بعد از آن که روایت‌های جادویی و نت‌ها را به میراث بردند، با امر بفرنجی روبرو شدند و آن مبدل ساختن گونه اعتقادات واهی و نامعقول به سیستم جادویی بوده که در خور تمدن‌های بالا آن‌ها بود و اگر بار دیگر در گذشته پیش رفت تا به بشر نخستین رسید، می‌توان دریافت که جادو در آن هم مسئله بی‌فایده‌ای نبوده و جادوگر برای افراد قبیله خود سبب خیر بوده و در مقابل ناشناخته‌های ترس آور به آن‌ها نوید کمک می‌داد و به مانند بشر امروزی که احتیاج به این دارد جهت سبک نمودن بار گناهانش در برابر کشیش اعتراف کند یا به روانکاو رجوع کند و بدین صورت دلواپسی‌های خود را خدمت جادوگر می‌برد. اعمال جادویی، نظامی را ایجاد کند که انسان بتواند از راه متوسل شدن به نیروهای متافیزیک اعمال روزانه را تغییر دهد. و این‌ها مسائلی بوده که بشر از راه سحر قادر بود دریافت کند» (الیاده، ۱۳۹۲:۸۳).

### جادوی سیاه و جادوی سفید

سحر و جادو به دو گروه اصلی که همیشه در جنگ هستند، تقسیم می‌شود. این دو گروه جادوی سیاه و سفید نام دارد. «جادوی سیاه جنبه شیطانی جادوست که توسط شیطان و عوامل آن به بشر آموزش داده شده و تنها برای آسیب رساندن به نوع بشر کاربرد دارد. جادوگر سیاه با نیروهای شیطانی معامله می‌کند. او داناست و روح خود را به بهای گزاف می‌فروشد؛ این دیدگاه در نگاه کلان شیطان‌پرستی در ارتباط بنده و در عمل جادوگران سیاه، پرستندگان لوسیفر هستند. نقطه مقابل جادوی سیاه، جادوگران سفید هستند که وظیفه نجات انسان‌ها را بر عهده دارند. معمولاً جادوگران سفید در زمزه ادیان الهی فعالیت می‌کنند. مغ‌ها جادوگران سفیدی هستند که به غور و تأمل در طبیعت، بیش از شگفتی‌ها علاقمند

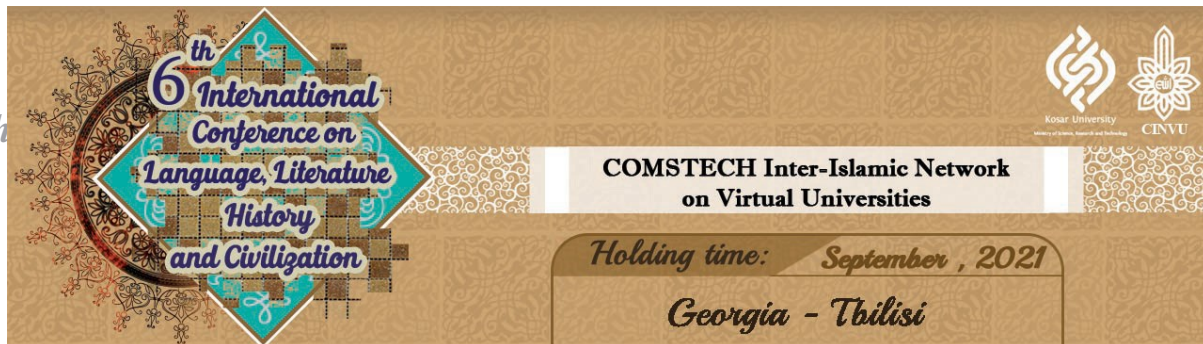


هستند و با همین تاملات قادرند در چیزهایی که برای دیگران عادی و آشناست، نیروهای فعالی را کشف نمایند» (گلسرخی، ۱۳۷۷: ۴۴۵-۴۶۵). بنابراین با تمام تفاسیر می‌توان گفت جادوی سفید، برای مقاصد سازنده و کمک به مردم به کار می‌رود تا جایی که جادوی سیاه، برای آسیب رساندن به مردم و گاه دارای نیروی مرگ‌آور نیز می‌شود.

### ادبیات ایران<sup>۳</sup>

ادبیات فارسی یا ادبیات پارسی به ادبیاتی گفته می‌شود که به زبان فارسی نوشته شده باشد. ادبیات فارسی تاریخی هزار و صد ساله دارد. شعر فارسی و نثر فارسی دو گونه اصلی در ادب فارسی هستند. برخی کتاب‌های قدیمی در موضوع‌های غیرادبی مانند تاریخ، مناجات و علوم گوناگون نیز دارای ارزش ادبی هستند و با گذشت زمان در زمره آثار کلاسیک ادبیات فارسی جای گرفته‌اند. «ادبیات فارسی ریشه در ادبیات باستانی ایران دارد که تحت تأثیر متون اوستایی در دوران ساسانی به زبان‌های پارسی میانه و پهلوی اشکانی پدید آمد. گوته بر این باور است ادبیات فارسی، یکی از چهار ارکان ادبیات بشر است» (Levinson, Christensen, 2002). آداب و رسوم، سنت‌ها و آیین‌ها، عادات، عقاید و باورها، جشن‌های ملی و مذهبی، قصه‌ها و افسانه‌ها، راه‌های شناخت مردمانی است که واقعیت زندگی خود را تحت تاثیر اوضاع تاریخی، اقتصادی و جغرافیایی با بیان ساده و عامیانه باقی گذاشتند. «ادبیات هر قوم و ملتی ترجمان تفکرات، احساسات، باورها، نگرش‌ها، هنرها و همچنین فراز و فرودها و سایه روشن‌های زندگی فردی و جمعی آن قوم یا ملت می‌باشد. با این دیدگاه می‌توان «فرهنگ» و «مدنیت» هر جامعه را بر اساس ادبیات و پیشینه ادبی آن بررسی نمود و مورد ارزیابی قرار داد. به دیگر سخن ادبیات هر ملتی مشخص کننده هویت، قدمت، پویایی و افت و خیزهای آن ملت در گذار زمان می‌باشد. ادبیات پدیده‌ای است اجتماعی و از پدیده‌های اجتماعی نمی‌شود، تعریف درستی ارائه داد، لکن بعضی‌ها گفته‌اند: مجموعه بازتاب‌های آدمیان است در مقابل عوامل درونی و برونی که به صورت کلام همراه با تخیل و عاطفه در آمده و هدفش سهولت ارتباطات آدمیان است» (قیاسی، ۱۳۹۵).

<sup>3</sup> Iranian literature



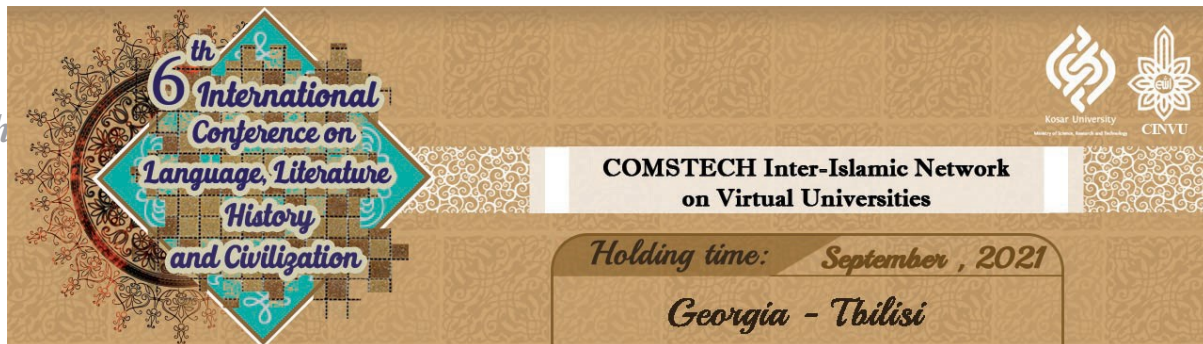
« سحر و جادو در تمام دوران بشری و در قرن‌های گذشته تأثیرات عمیقی در روحیه انسان و زندگی او به جا گذاشته است و بخشی از دین و مذهب و مکتب جدیدی را ایجاد کرده که انسان وادار شده تا این خلأ را پر کند. چرا که همیشه در کنار او تنگاتنگ همراه بود. نکته مهم در جادو این است که غالباً همراه با ترس بوده و هراس از خرافه‌گرایی یکی از پدیده‌های زندگی انسان به شمار می‌رفته است» (ممتحن، ۱۳۹۳).

### هنر نگارگری

به هنر تصویرگری ظریفی که دارای ویژگی‌های تزئینی است و از دیرباز در شرق نزدیک رواج داشت، هنر نگارگری می‌گویند. واژه نگارگری یعنی نگاریدن، به تصویر درآوردن، کشیدن و صورتگری. «نگاره‌های ایرانی آثاری هستند که از یک سو پا در میان متن دارند و آن را می‌توان تصویرسازی به معنای امروزی دانست که تجلی کلام را به نقش می‌کشد و از سوی دیگر محلی برای بروز بینش و خرد نگارگر در اثر می‌شود» (فرید، پویان مجد، ۱۳۹۱). اصطلاح نگارگری معمولاً به مجموعه‌ای از هنرهای مرتبط با کتاب چون تصویرگری، تذهیب، تشعیر و حتی هنرهای مستقل از کتاب مانند قلمدان‌نگاری و ... گفته می‌شود.

### شاهنامه‌نگاری

شاهنامه فردوسی را می‌توان به عنوان یکی از مورد توجه‌ترین متون در طی قرن‌ها دانست. بدون شک شاهنامه توانست تاریخ، ادب و فرهنگ یک سرزمین پهناور را زنده نگه دارد و برای بهتر شناساندن آن تلاش بسیار کند. «شاهنامه برجسته‌ترین نمونه مثنوی روایی است که تاریخ ما را از روزگار افسانه‌ها تا انقراض ساسانیان در قالب ۵۰ فرمانروا گزارش کرده است. این کتاب در عین حال مشحون از اندرزهای اخلاقی و آموزه‌های اجتماعی و سیاسی خود شاعر است که حضور او را در جای جای اثر تسجیل می‌کند. سراسر کتاب بیش از ۵۰۰۰۰ بیت و در برخی نسخه‌های معتبر تا ۶۰۰۰۰ بیت می‌رسد، در بحر متقارب که بحری حماسی و پارسی است سروده شده است» (حمیدی، ۱۳۷۵).



نیروهای متافیزیک (مابعد الطبیعه) در شاهنامه

## فرّه ایزدی:

فرّ یا فرّه، مفهومی در اساطیر ایرانی است. فرّ موهبت یا فروغی ایزدی می‌باشد. «شخص با انجام خویشکاری‌های خود و رسیدن به درجه‌ای از کمال به دست می‌آورد» (بهار، ۱۳۸۶). «نوری است از جانب خدای تعالی که بر خلاقیت فایز می‌شود که به وسیله آن قادر شوند به ریاست و حرفت‌ها و صنعت‌ها و از این نور آنچه خاص است به پادشاهان بزرگ عالم و عادل تعلق گیرد» (دهخدا).

## جادو در داستان کیخسرو

کیخسرو از پهلوانان باستان ایران می‌باشد که دارای فرّ ایزدی است و در منابع کهن نسبت به دیگر پهلوانان بسیار از او یاد شده است و شخصیتی والا و مقدس دارد. «حتی او را در شمار واپسین کوی‌ها (دانا و حکیم) دانسته‌اند. از جمله، در یشت‌های ۵، ۹، ۱۳، ۱۵، ۱۹ از او به عنوان متحد کننده ایران یاد شده است. حتی در یشت ۱۳، فروهر کیخسرو به عنوان درخشان‌ترین شاه، والاترین و شریف‌ترین کس ستوده شده است، در واقع، کیخسرو نمونه مطلق رهبری کامل و بی‌عیب است» (بهار، ۱۳۷۶).

چو تاج بزرگی به سر بر نهاد      ازو شاد شد تاج و او نیز شاد

به هرجای ویرانی آباد کرد      دل غمگنان از غم آزاد کرد

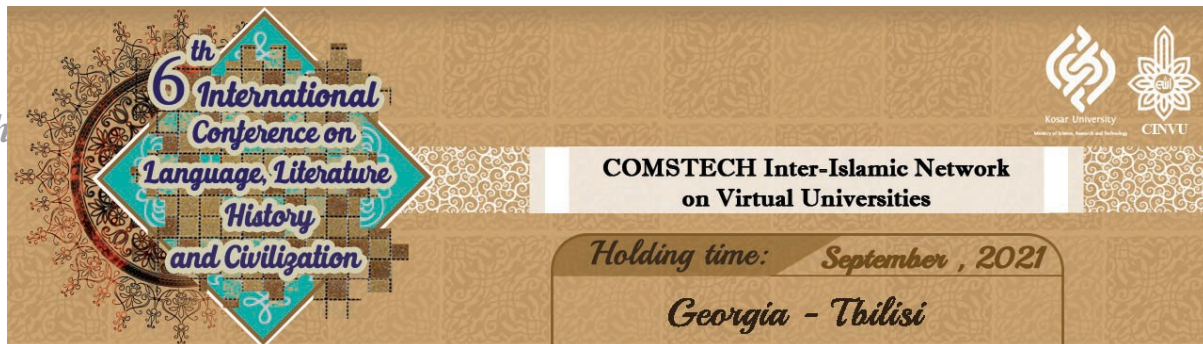
زمین چون بهشتی شد آراسته      ز داد و ز بخشش پر از خواسته

جهان شد پر از خوبی و ایمنی      ز بد بسته شد دست اهریمنی (فردوسی)

## رفتن کیخسرو به دژ بهمن

در شاهنامه فردوسی به نام مکان‌هایی اشاره شده است که یکی از آن‌ها، دژی است اهریمنی به نام (دژ بهمن) که در اطراف اردبیل و در دوره کیانیان، وجود داشته است. «لغت دز یا دژ در فارسی که به معنی قلعه و حصار است با لغت





اوستایی داز که به معنی سنگ یا گل انباشته و روی هم گذاشته است یا به عبارت دیگر پشته، تپه و تل است» (پورداد، ۱۳۷۷).

« نام دژ بهمن، در داستان اختلافی که میان سرداران ایرانی بر سر جانشینی کاووس وجود داشته، ذکر شده که طی آن برخی از سران به جانشینی فریبرز و برخی دیگر به جانشینی کیخسرو تمایل دارند. کاووس چاره را در این می بیند که از این دو نفر هر کدام که بتواند دژ جادویی بهمن را فتح نماید، جانشین وی می گردد» (رضالو، ۱۳۹۰).

« نخست طوس با فریبرز با لشکری گران به مرز بهمن دژ رفتند دژ را محاصره و یک هفته اطرافش را تفحص نمودند ولی راه ورود به دژ را نیافته ناامید نزد کیکاووس برگشتند. چون فریبرز دست خالی بازگشت، اینک نوبت کیخسرو بود تا اولین شانس خود را در جنگ امتحان کند و این کار نیز تنها از کیخسرو که فرّ کیانی با او است ممکن می شود. کیخسرو همراه گودرز با لشکری گران عازم مرز شد و آنجا را محاصره نمود. کیخسرو نویسنده ای خواست و نامه ای (تعویذ) به زبان پهلوی نوشت بر سر نیزه آویخت و نیزه را به گیو داد و گفت نام یزدان بر زبان جاری ساخته نیزه را به دژ اندازد. چون نیزه بر دیوار دژ دوخته شد ناگهان برقی زد رعدی برآمد جهان تاریک شد گردی سیاه از فروریختن دیوارها به آسمان بلند شد و کیخسرو همان دم اسبش را برانگیخت و فرمان تیرباران دژ را داد. در پی تیر باران جمع کثیری از دیوان هلاک شده سپس هوا دوباره روشن شد جماعتی از جادوان و دیوان اسیر گشتند کیخسرو همراه گودرز و لشکریان داخل شهر شدند» (شریفی، ۱۳۸۷). (تصویر ۱)

به دژ در شد آن شاه آزادگان ابا پیر گودرز کشاورگان

یکی شهر دید اندر آن دژ فراح پر از باغ و میدان و ایوان و کاخ

بدانجای کان روشنی بردمید سر باره دژ بشد ناپدید

بفرمود خسرو بدان جایگاه یکی گنبدی تا به ابر سیاه (شاهنامه فردوسی، ۱۳۸۴)



تصویر ۱- برگه از شاهنامه شاه طهماسبی، کیخسرو (فرزند سیاوش) و گشادن دژ بهمن از داستان سیاوش، مکتب تبریز، حدود ۱۵۲۰-۱۵۳۵، منبع: (fitzmuseum)

## جادو در داستان کی کاووس

در شاهنامه کیکاووس فرزند کیقباد دانسته شده است و پس از او به پادشاهی می‌رسد. در بخش‌های مختلف اوستا از کی کاووس یاد شده است. «در بند ۴۵ آبان‌یشت و بند ۲ آفرین پیام‌بر زردشت به توانمندی کیکاووس اشاره شده است: کیکاووس توانای پرورج در بالای کوه ارزیفیه صد اسب، هزار گاو، ده هزار گوسفند برای او قربانی کرد و فرّ کیانی به او تعلق داشت. در آبان‌یشت، بند ۴۶ و بهرام‌یشت بند ۳۹، کی کاووس دارای پیر وزی بود که دیگر شاهان آرزومند آن بودند. او برای اردویسورناهد قربانی می‌کند و از او می‌خواهد تا شهریار بزرگ همه کشورها بشود و به دیه‌ها، مردمان، جادوان، پری‌ها، کوی‌ها و کرپن‌های ستم‌کار دست یابد» (آبان‌یشت، بند ۴۵ و ۴۶).

درباره پرواز کیکاووس به آسمان دینوری چنین می‌نویسد: «گویند به روزگار ابرهه پسر ملطاط پادشاه ایران، کیکاووس پسر کیقباد بود. او بر نیرومندان سخت گیر و بر ناتوانان مهربان بود و مردی پسندیده و منصور تا آنکه از او کاری که مایه گم‌راهی بود سر زد و تصمیم گرفت به آسمان صعود کند» (دینوری، ۱۳۶۴). (تصویر ۲)



تصویر ۲- رفتن کیکاووس به آسمان، نگارگر محمد قدیمی گیلانی، حدود ۱۵۲۵ تا ۱۵۳۰ میلادی، منبع: (متروپولیتن نیویورک)

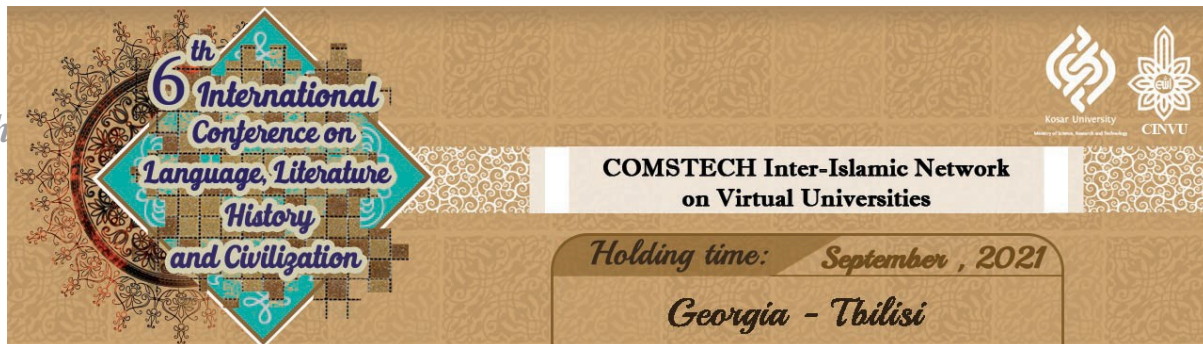
« بر پایهٔ روایت طبری دربارهٔ پرواز کی کاووس به آسمان، او از خراسان به بابل می آید و می پندارد حال که بر کار زمین

تسلط یافته ام، باید بر کار آسمان نیز تسلط یابم. خداوند نیرویی به او می دهد و به آسمان پرواز می کند تا اینکه ناگهان

خداوند آن نیرو را از کی کاووس می گیرد و سقوط می کند» (طبری، ۱۳۷۵). (تصویر ۳)



تصویر ۳- سقوط کیکاووس از آسمان، نگارگر محمد قدیمی گیلانی، حدود ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۰ میلادی، منبع: (موزه متروپولیتن نیویورک)

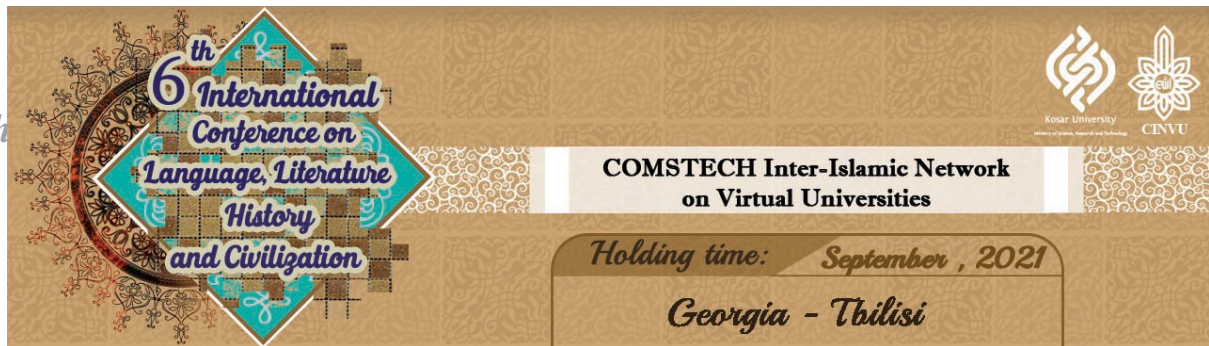


بحث و تحلیل آثار جادو و جادوگری در شاهنامه و شاهنامه‌نگاری

### تحلیل نگاره رفتن کیخسرو به دژ بهمن

- در صحنه‌هایی که دارای پتانسیل معانی عام و کلی، مانند نبرد نیکی و بدی و یا پیروزی نیکی هستند، هنرمندان به دقت و به مهارت نقش مایه‌های توصیف‌گر را در سطح نماد و نشانه، در تقویت آن معنا به کار گرفتند. مانند صحنه نبرد کیخسرو در دژ بهمن (تصویر ۱)، یک قلعه‌ای در کوه پر از برف که توسط دیوان و نیروهای جادویی تسخیر شده است دیده می‌شود. کیخسرو نامه‌ای به این مضمون می‌نویسد و به نیزه می‌بندد: «او از تخمه و گونه اهریمن نیست و جان و تن وی از فرّ و برز ساخته شده است و یکسره مینوی و اهورایی است» (کزازی، ۱۳۸۲). کیخسرو نام یزدان را هنگام رها شدن تیر از کمان بر زبان جاری ساخت و سپس نامه‌ای که به نیزه بسته بود را به دژ انداخت، ناگهان رعدی زد و جهان تاریک شد و دیوارهای اهریمنی که در تصویر به رنگ سیاه در آمده است که نشان پلیدی‌هاست فرو ریخت و در همان زمان نیز نامه ناپدید شد و کیخسرو فرمان تیر باران را به دژ داد. در نامه نیز، دژ نشینان بهمن به سه گروه تقسیم شده‌اند: «نخست دیوان که در دل، دشمن جهان آفرینند. کیخسرو دژ را بر آنان فرو خواهد ریخت و با گرز، آن را با خاک یکسان خواهد کرد؛ دو دیگر جادوگران که او را، در نبرد با آنان، نیاز به سپاه نیز نیست و خود بتن‌هایی سرشان را در بند کمند خواهد آورد؛ سه دیگر سروش و مینویان که به فرمان یزدان سپاهیان کیخسرو خواهند بود و او را یاری خواهند رسانید» (کزازی، ۱۳۸۲).

گروهی از سپاهیان کیخسرو در سمت راست و چپ تصویر با تیر و کمان نشان داده شده است و در پی تیر باران تعداد زیادی از دیوان هلاک شدند و هنگامی که هوا روشن‌تر شد مانند تصویر که به رنگ آبی روشن به تصویر کشیده شده است که نشان از روشنایی هوا و پاکی از پلیدی‌هاست، جماعتی از دیوان اسیر شدند. در تصویر نیز سپاهیان کیخسرو که دیوان را به بند کشیدند و به سمت بیرون از قلعه می‌رانند، همچنین جمعی از سربازان در بالای قلعه در حال مبارزه با دیوان و شکست آن‌ها و پرت شدنشان به سمت پایین قلعه به چشم می‌خورد. کیخسرو در پایین قلعه با لباس آبی و نارنجی

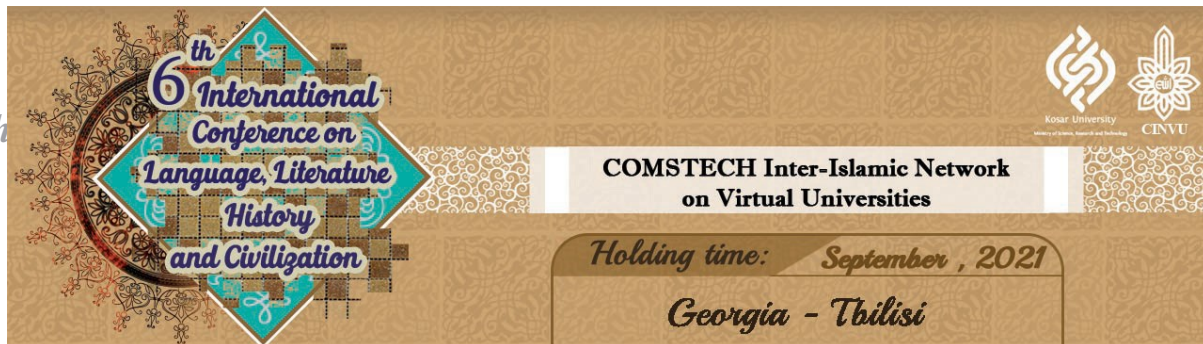


رنگ، نشان از قدرت، حکمت و دانش او و همچنین رخس سیاه رنگ وی که نماد جدیت و قدرت او در برابر بدی‌هاست دیده می‌شود.

سر کیخسرو و همراهانش به سمت بالا متمایل شده است که نگارگر سعی داشته است، بزرگی قلعه را در چشم بیننده تداعی کند. آسمان آبی رنگ را می‌توان به عنوان پس زمینه تصویر در نظر گرفت، ابرهای تزئینی و همچنین کوه بزرگی پر از برف و بهمن که به رنگ آبی و خاکستری در آمده است، نماد صلابت و استحکام کوه را نشان می‌دهد، که هنگام پیروزی بر این دژ اهریمنی است. در سمت راست تصویر به شادی و جشن برای این پیروزی بزرگ که نشان از خوشحالی آن‌ها در برابر اولین جنگ کیخسرو که فرّ کیانی نیز با او همراه است مشغول هستند. کیخسرو دژ بهمن را که جایگاه دیوان و نیروهای اهریمنی بوده است، به جای پاک و نیایشگاه یزدان پرستان دگرگون ساخت. استفاده از جزئیات در معماری و تزئینات آن و همچنین در لباس‌ها و ابزار رزم به خوبی آشکار است. ترکیب بندی تصویر کاملاً دارای تحرک و پویایی و همچنین استفاده از کتیبه‌های خطی در بیشتر آثار نگارگران نیز به چشم می‌خورد، توانسته است بخشی از اثر را به صورت جدا نشدنی از هم دانست و همچنین توانسته است ارتباط معناداری با اثر پیدا کند. این اتفاقات در نگاره نشان دهنده وفاداری نگارگر به متن نیز می‌توان تلقی کرد.

### تحلیل نگاره جادو در داستان کیکاووس

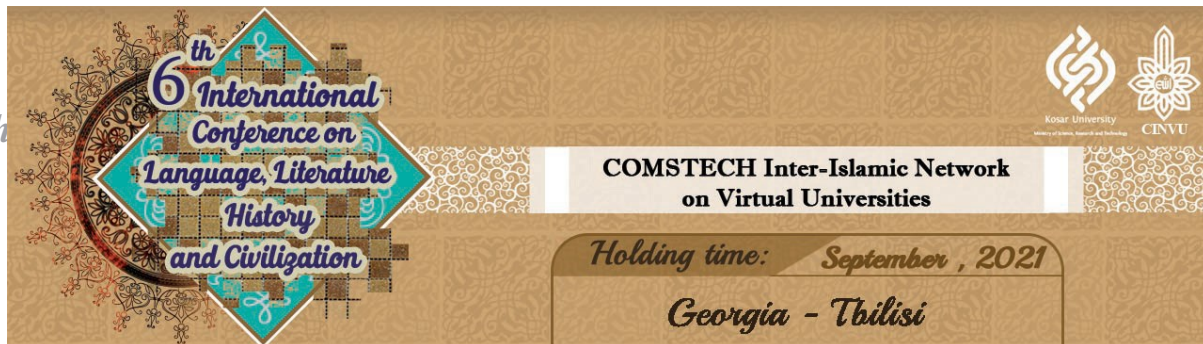
- در (نگاره دوم) صعود کیکاووس به آسمان مشاهده می‌شود. بر اساس داستان شاهنامه، دیوان که موجوداتی پلید و شیطانی هستند، سودای سفر به آسمان را برای فریب دادن کیکاووس بر سر او می‌اندازند و وی فرمان می‌دهد تا تختی برای او بسازند تا به آسمان پرواز کند. او نیز از خراسان به بابل رفت و سپس خداوند نیز نیرویی به وی بخشید تا به ابرها رسیدند. همانطور که در تصویر مشاهده می‌کنید کیکاووس در مرکز کادر بر تخت خود نشسته و برای رسیدن به آسمان از عقاب‌ها کمک گرفته است. استفاده از عقاب به سبب ویژگی‌های جثه، سرعت، بلند پروازی و شیوه گردش عقاب در آسمان توجه همه را به خود جلب می‌کند و نیز قرارگاه این مرغ در قله‌های کوه و پیروزی‌اش بر تمام پرنندگان، این



حیوان را اسرار آمیز کرده است. کیکاووس چهار بچه عقاب را پرورش داد تا هنگامی که آن‌ها نیرو گرفتند، تختی ساخت و بر تخت نيزه‌هایی از ران بره آویزان کرد و آن چهار عقاب را به تخت بست، هنگامی که عقاب‌ها گرسنه شدند بسوی طعمه‌ها حرکت کردند و بدین وسیله تخت را از جای برداشتند و به آسمان پرواز کردند. نگارگر نیز با استفاده از متن شعر نقاشی را با جزئیات کامل به نمایش گذاشته است. استفاده از پرسپکتیو و بزرگ‌نمایی تخت هنگام صعود به آسمان و کوچکتر بودن شخصیت‌ها در پایین صفحه از مهارت نگارگر می‌باشد. می‌توان گفت نگارگر به متن وفادار بوده است. مردمانی که با لباس‌های معمولی و فاخر شاهد صعود کیکاووس هستند به چشم می‌خورد. دیو‌هایی که به طور پنهانی شاهد این صعود و فریب کیکاووس هستند نیز در این تصور دیده می‌شود.

استفاده از رنگ‌های روشن و درخشان و همچنین استفاده استادانه از جزئیات در این نگاره به چشم می‌خورد. آسمان تیره، ابرهای پیچان و درختان حالت حرکت و پویایی به خوبی نمایان است. استفاده از کتیبه‌های خطی در بالا و پایین صفحه که قسمت کوچکی از آسمان را در بر گرفته است. تحرک در ترکیب‌بندی و استفاده از تقسیمات طلایی تاثیر بسزایی در زیبایی اثر گذاشته است.

- (نگاره سوم) سقوط کیکاووس توسط عقاب‌ها دیده می‌شود. بر اساس شاهنامه آمده است که پس از اوج، عقاب‌ها خسته می‌شوند و در بیشه شیر فرود می‌آید، اما کاووس در این ماجرا جان سالم به در می‌برد. در نگاره‌ای که توسط محمد قدیمی گیلانی به تصویر کشیده شده است؛ کاملاً سقوط کیکاووس و عقاب‌ها به بیشه‌زار و مردمانی که شاهد این سقوط هستند نیز در معرض دید قرار گرفته است. در این اثر استفاده از کتیبه‌های خطی به عنوان بخشی از اثر نگارگری بیشتر بکار رفته است و اثر کاملاً در مرکز کادر نقش شده است. نگارگر با استفاده از رنگ قرمز در پس زمینه برای نشان داده خطر و حتی نیز می‌توان استفاده از این رنگ را به عنوان خودخواهی و جاه‌طلبی کیکاووس که توسط دیوان فریب خورده بود، دانست.

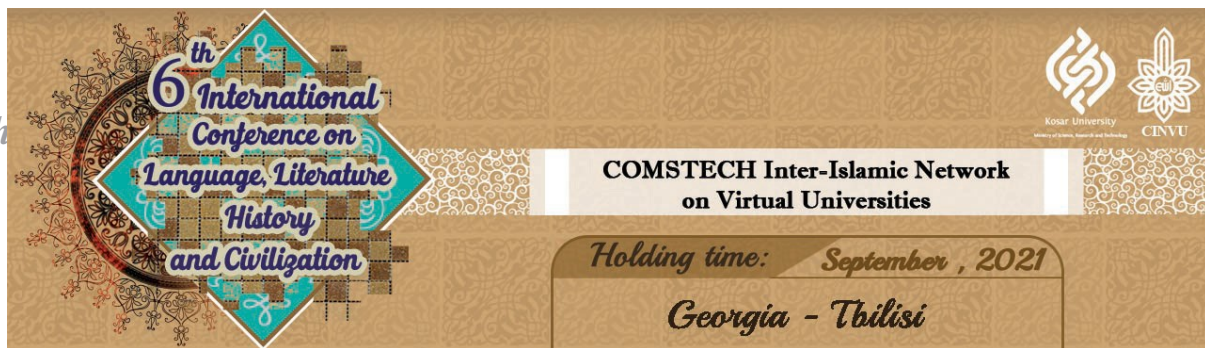


در این نگاره، استفاده از جزئیات در لباس‌ها و تخت کیکاووس و در نقاشی از عقاب‌ها به خوبی دیده می‌شود و همچنین استفاده بیشتر از رنگ مکمل قرمز (سبز)، برای لباس شخصیت‌ها انتخاب شده است که اثر را چندین برابر برجسته می‌کند. این نقاشی مانند تصویر پیشین از گستردگی عناصر تصویری برخوردار نیست و بیشتر استفاده از کتیبه‌های خطی کوتاه و بلند به چشم می‌خورد، اما می‌تواند این نگاره بصورت خلاصه شده گویای کل داستان باشد و در این نگاره مانند تصویر صعود به آسمان کیکاووس، نگارگر به متن وفادار بوده است و همچنین کوتاه و بلند شدن کتیبه‌های خطی به عنوان بخشی از اثر به پویایی و انسجام در ترکیب‌بندی اثر کمک شایانی کرده است.

### نتیجه‌گیری

امور فراواقعی و خارق‌العاده، از گذشته تاکنون مورد استقبال و توجه عموم مردم بوده است و صد البته بشر در پی انجام این امور از هیچ کوششی فروگذار نبوده است. اسطوره‌ها یکی از اختراعات دست بشر است که نتیجه میلی انسان به انجام خرق عادت است. اسطوره‌ها خلق شدند تا هر آنچه انسان نمی‌تواند انجام دهند را انجام داده و نمونه کامل و جامعی از بشر تکامل یافته باشد. یکی از امور خارق‌العاده و فراواقعی که انسان‌ها به آن گرایش داشته و به وسیله آن نیازها و تمایلات خود را برطرف می‌نمودند سحر و جادو بود.

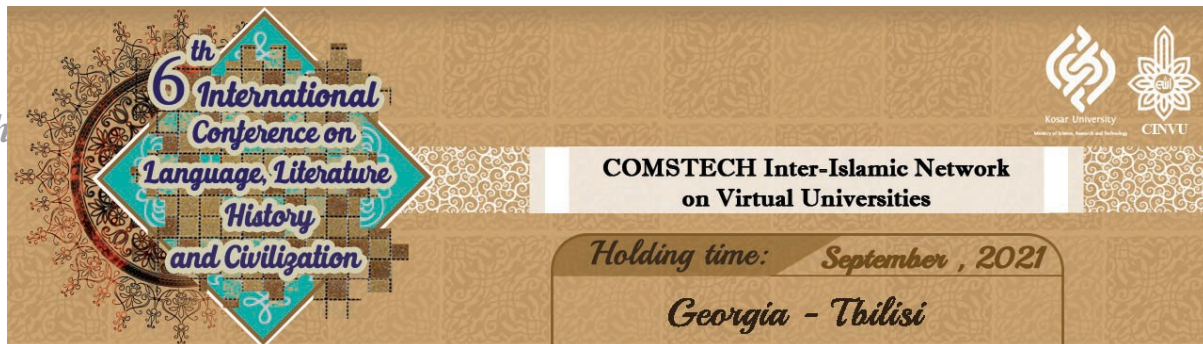
۱. جادو و مظاهر آن در ادبیات فارسی جایگاه خاصی دارند که برای دانستن و درک معنی ابیات و فهم معنی برخی از اشعار فارسی باید از نگارگری بهره برد. فردوسی در اشعار خود اشاراتی به واژگان و اصطلاحات جادویی و از یک طرف، اشاره به آداب و رسوم جادویی دارد که مویذ نظر اوست. استفاده از جادو و اسطوره برای فردوسی به منزله ابزاری است که با آن اغراض و مقاصد شعری خود در جهت بیان عواطف شخصی خود و چه در جهت تعلیم بیان داشته است. تقابل هنر و جادو فقط یک تقابل ساده‌واژگانی نیست، بلکه حکایت از ستیزی عمیق می‌کند که بین دو جهان بینی یاد شده در بر گرفته، و از آن بن‌مایه‌ای نیرومند را ساخته که زیر ساخت بسیاری از روایت‌های اسطوره‌ای را فراهم آورده است.



۲. شاهنامه سرشار از داستان‌های جادو و جادوگری است. با شناسایی عرصه داستان‌ها و نیز شناسایی خصوصیات رفتاری شخصیت‌های داستان علی‌الخصوص بزرگانی که دارای قدرت مافوق طبیعی‌اند می‌توان به خصوصیات ظاهری آن‌ها دست یافت و در تصویرسازی فضاها و شخصیت‌های داستان از این اطلاعات مدد گرفت. این اطلاعات قادر است در طرز ترکیب‌بندی رنگ‌ها و فرم‌ها، فضاها و عناصرها، جهت دادن تصویری و نگارگری از قصه‌های دیرینه در آشنا نمودن آنان به نسل‌های بعد کمک کند، تا بتوان روحشان را با اثرات مهم ادبی قدیم که در ادبیات و فرهنگشان ریشه دوانده آشتی دهیم، زیرا که انسان حاضر به علت داشتن رابطه‌های شنیداری و دیداری عظیم و افزایش تکنولوژی، از حوزه فرهنگی جامعه خود، دور افتاده است.

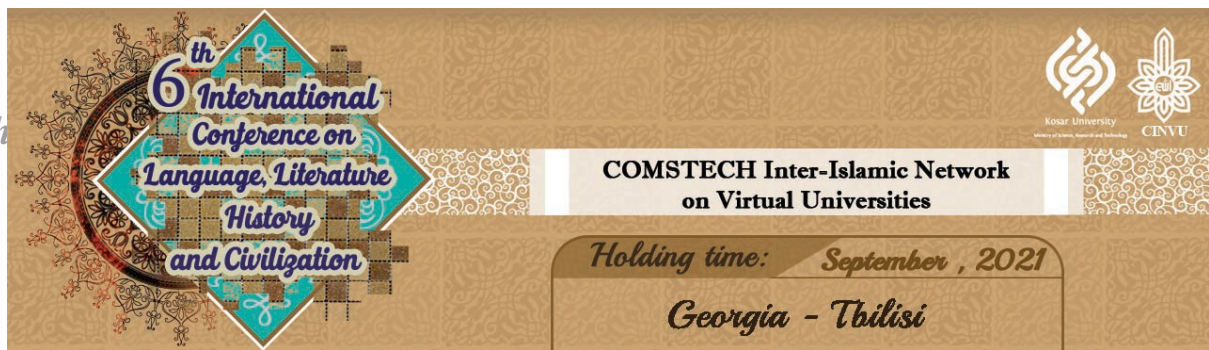
بی‌شک مجسمه‌سازی، بناسازی، ایجاد ماسک‌ها، هنر نمایش، موسیقی، رقص‌های آیینی، آواز و شعرها و خیلی از عوامل دیگر که پیوندی با هنر داشته، بی‌ارتباط با جادو نبوده است. در کتب دانش‌های نهانی و اعمال جادویی که با مجسمه‌سازی و نقاشی همراه بوده، وجود دارد که در آن‌ها از جادو نیز کم نبوده است. هنر قبل از تاریخ در خدمت جادوست و بس.





## منابع

- صمصامی، منیره، ۱۳۸۸، جادو در شاهنامه فردوسی، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد در زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- کزازی، میرجلال‌الدین، (۱۳۸۴)، نامه باستان؛ ویرایش و گزارش شاهنامه فردوسی، از آغاز تا پادشاهی منوچهر، ج ۱، تهران: انتشارات سمت.
- کزازی، میرجلال‌الدین، (۱۳۸۵)، رویا، حماسه، اسطوره، تهران: نشر مرکز.
- گلکسرخ، ایرج، (۱۳۷۷)، تاریخ جادوگری، تهران: نشر علم.
- بهار، مهرداد، (۱۳۸۶)، الف، از اسطوره تا تاریخ، تهران: چشمه.
- بهار، مهرداد، (۱۳۸۶)، ب، پژوهشی در اساطیر ایران، ج ۶، تهران: آگاه.
- دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۳)، لغت‌نامه، چاپ اول، تهران: روزنه.
- دینوری، احمد بن داوود، (۱۳۶۴)، اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نی.
- قیاسی، سید وهاب، (۱۳۹۵)، پژوهش‌های اجمالی در ادبیات عامیانه ایران، تهران، نشر اطلاعات.
- ممتحن، مهدی، (۱۳۹۳)، پژوهشی تطبیقی در باب جادو در ادبیات و قرآن کریم، مطالعات ادبیات تطبیقی، سال هشتم، شماره ۳۱، صص ۱۱۰.
- فرید، امیر، پویان مجد، آزیتا، (۱۳۹۱)، بررسی و تحلیل شمایل‌شناسانه نگاره «کشته‌شدن شیده به دست کیخسرو»، فصلنامه علمی - پژوهشی، شماره ۲۴، صص ۵۱.
- شریفی، محمد، (۱۳۸۷)، ویراستار محمدرضا جعفری، فرهنگ ادبیات فارسی، تهران: فرهنگ نشر نو و انتشارات معین.
- حمیدی، بهمن، (۱۳۷۵)، سه گفتار درباره شاهنامه فردوسی، انتشارات توسعه، تهران.
- طبری، محمد بن جریر، (۱۳۷۵)، تاریخ طبری، تهران: اساطیر.



- یشته‌ها، (۱۳۶۳)، ترجمهٔ دکتر کتابیون مزداپور، انتشارات دانشگاه تهران.

- رحمانی، اکرم، اقدامی معافی، علیرضا، اقدامی معافی، رضا، (۱۳۹۲)، نیروهای متافیزیک (مابعدالطبیعه) در شاهنامهٔ فردوسی، بهار سخن (ادبیات فارسی)، دوره ۱۰، شماره ۲۶، صص ۲-۴.

- اقدامی، رضا، عقدایی، تورج، رحمانی، اکرم، خادمی، هاجر، (۱۳۹۵)، سحر حلال (بررسی چستی سحر در اندیشهٔ مولانا)، کنگره بین‌المللی علوم اسلامی، علوم انسانی، تهران، صص ۱.

- الیاده، میرچا، (۱۳۹۲)، شمنیسم؛ فنون خلسه کهن، ترجمه محمد کاظم مهاجری، تهران: نشر شفیعی.

رضالو، رضا، (۱۳۹۰)، بهمین دژ شاهنامه از اسطوره تا واقعیت، فصلنامه متن پژوهی ادبی، شماره ۴۹، صص ۱۴۵.

- پورداوود، ابراهیم، (۱۳۷۷)، یشته‌ها، ج ۲، تهران: انتشارات اساطیر.

- Levinson, Von David, Christensen, Karen, (2002) Encyclopedia of Modern Asia, Charles Scribner's Sons.